

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: نسترن نصرتی

۰۲ نومبر ۲۰۲۲

نشانه‌های تغییر نظم جهانی در بحران‌های سیاسی انگلیس



خروج زودهنگام لیز تراس از قدرت که کوتاهترین دوره حضور در قدرت برای یک نخست‌وزیر در تاریخ بریتانیا است و تغییرات مکرر سیاسی در این کشور کارآمدی ساختاری لیبرال دموکراسی‌ها را زیر سؤال برده آن هم در زمانی که شکاف‌ها بین جهان شرق و غرب رو به افزایش است.

به گزارش خبرگزاری‌ها، استعفای «لیز تراس» از سمت نخست‌وزیری انگلیس بعد از تنها ۴۵ روز در خانه شماره ۱۰ خیابان داونینگ‌استریت جدیدترین اتفاقی است که در کنار مجموعه دیگری از نشانه‌ها از گذار دنیا به سوی یک نظم جهانی جدید خبر می‌دهند.

تراس با فیگور ظهور یک مارگارت تاچر دیگر در سپهر سیاسی انگلیس به میدان آمده بود، اما سرنوشت او با استعفائی که روزنامه گاردین از آن به عنوان «شرم‌آور» یاد کرده به پایان رسید.

انگلیس در سال‌های گذشته هر بحران را با بحرانی دیگر پشت سر گذاشته تا متحدانی را که در سال‌های دور از این کشور به عنوان یکی از الگوهای موفق نظام سرمایه‌داری یاد می‌کردند، به اندیشه فرو ببرد. در آن سوی آتلانتیک، ایالات متحده به عنوان ستون اصلی سرمایه‌داری نیز سرگرم دست و پنجه نرم کردن با بیماری‌ها و ناهنجاری‌های خاص خودش است.

در انگلیس، خروج زودهنگام لیز تراس از قدرت که کوتاهترین دوره حضور در قدرت برای یک نخست‌وزیر در تاریخ بریتانیا است سه‌الاتی را درباره کارآمدی ساختاری لیبرال دموکراسی‌ها پیش کشیده آن هم در زمانی که شکاف‌ها بین جهان شرق و غرب رو به افزایش است.

علام پیدایش نظم چندقطبی

در انگلیس «ریشی سوناک» در حالی به سمت نخست‌وزیری انگلیس منصوب می‌شود که این دومین بار ظرف تنها ۷ هفته است که حزب محافظه‌کار، نخست‌وزیر «انتخاب می‌کند». پایگاه هیل نوشته گروه کوچکی از انتخابگران که کمتر از نیم درصد جمعیت انگلیس را تشکیل می‌دهند ظرف یک ماه دو نخست‌وزیر انتخاب کرده‌اند. تراس چهارمین نخست‌وزیری است که بعد از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا از سمتش استعفاء می‌کند.

اما این نابسامی مختص انگلیس نیست بلکه در آمریکا نیز یک حزب سیاسی از ۸ انتخابات برگزار شده ۷ بار پیروز شده، اما تنها در ۵ انتخابات، رئیس‌جمهور از آن حزب انتخاب شده است. دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ با اتفاقات عجیبی از جمله انزوای بی‌سابقه آمریکا در مجامع بین‌المللی، حمله به ساختمان کنگره، تضعیف نهادهای نظام حاکم آمریکا و ترویج نژادپرستی با حمایت از سفیدپرترپنداری همراه بود.

وبگاه شبکه خبری سی‌ان‌ان نوشته فروپاشی دموکراسی غربی در حالی به وقوع پیوسته که غرب با دشواری‌های شدیدی از جانب دشمنانی قدرتمند روبه‌رو است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به دنبال زیر سؤال بردن الگوی حکومتی غرب است و شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین هم حرکت‌هایی را برای زیر سؤال بردن نظم جهانی غرب محور آغاز کرده است.

«سارا رایموندی»، دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه «نورث‌ایسترن» از اتفاقات اخیر در انگلیس به عنوان «فروپاشی» یاد کرده و گفته او ناآرامی‌های سیاسی اخیر در انگلیس را نتیجه اتفاقات بزرگتری مانند گذار دنیا از نظم سیاسی لیبرال به نظم چندقطبی با محوریت قدرت‌های منطقه‌ای می‌بیند.

رایموندی می‌گوید خروج انگلیس از اتحادیه اروپا به همراه استقبال این کشور از سیاست‌های انزواگرایانه باعث شده این کشور توانایی‌اش برای حفظ ثبات در بحبوحه آشوب‌های سیاسی در دنیا را تضعیف شده ببیند.

به گفته او، این آشوب‌ها تا حدی نتیجه ظهور مخالفان ژئوپولیتیک نظیر چین و روسیه، جنگ روسیه در اوکراین و همچنین قدرت گرفتن پوپولیسم راست‌گرایانه در بخش‌هایی از اروپا و آمریکا است.

مایا کراس، استاد علوم سیاسی در دانشگاه نورث‌ایسترن می‌گوید که مشکلات داخلی انگلیس را نمی‌توان از مشکلات اقتصادی این کشور جدا کرد. تولید ناخالص داخلی انگلیس از زمان خروج از اتحادیه اروپا ۴ درصد کاهش یافته است.

کراس می‌گوید: «این وضعیت جالب نیست. انگلیس، بعد از آن جایگاه عظیم در اتحادیه اروپا اکنون کاملاً در عرصه بین‌المللی منزوی شده و نسبت به خودش به عنوان یک کشور اطمینان ندارد.»

او هم همانند رایموندی معتقد است که چنین وضعیتی به نفع روسیه و چین است که از وضعیت افول غرب برای پیشبرد برنامه‌هایشان استفاده می‌کنند. کراس می‌گوید: «طی چند سال گذشته، میزان پوپولیسم در غرب افزایش چشمگیری داشته است. بخشی از آن را می‌توان به نحوه استفاده روسیه و چین از فضای مجازی برای سوق دادن مردم به سمت گونه‌های افراطی پوپولیسم نسبت داد.»

ریشه بحران انگلیس و تضادهای بنیادین نظام لیبرال

اما بحران انگلیس را نباید تنها به بخت بد لیز تراس یا اشتباهات خاص او نسبت داد، مشکل انگلیس همانند سایر کشورهای غربی از جمله آمریکا احتمالاً ریشه‌های عمیق‌تری در نظم سیاسی لیبرال معاصر و تضادهای بنیادین این جریان ایدئولوژیک دارد.

از یک سو، می‌دانیم که توسعه‌های اجتماعی و اقتصادی مستلزم برخی برنامه‌ریزی‌های ستراتیژیک طولانی مدت است که ایجاب می‌کند رهبران کشورهای غربی آماده اتخاذ برخی تصمیم‌های رادیکال، سخت و گاهی غیرمحبوب باشند. هنر رهبری و مدیریت گاهی مستلزم اندیشیدن نه فقط به اتفاقات هفته یا ماه آینده بلکه پیش‌بینی صحیح وقایع طی ۱۰ تا ۲۰ سال پیش رو است.

اما از سوی دیگر، قواعد فعلی کنش سیاسی در لیبرال دموکراسی‌های غربی رهبران سیاسی را به سمت اتخاذ تصمیم‌های تاکتیکی، موقعیتی و اقتضائی بر مبنای منافع و ملاحظات سیاسی بسیار کوتاه‌مدت و کوتاه‌بینانه سوق می‌دهد. این روزها، محور اصلی تصمیم‌گیری‌های رهبران سیاسی را بالا و پائین رفتن احساسات مردم در نظرسنجی‌ها، اقدامات احتمالی مخالفان سیاسی و مواضع رسانه‌های بانفوذ و نوشته‌های فضای مجازی تشکیل می‌دهد. لیز تراس، یکی از قربانیان همین تضادهای میان اهداف ستراتیژیک و ملاحظات تاکتیکی بود. کابینه او بدون طرح مشخص اعلام کرد قصد دارد مالیات‌ها را برای ثروتمندترین افراد و بزرگترین شرکت‌ها کاهش دهد، مواضع مبهمی در خصوص مسائل زیست‌محیطی اتخاذ کرد و توانائی پائینی برای عمل به عنوان یک تیم منسجم و آینده‌نگر نشان داد. نتیجه این شد او که حمایت‌هایش را در حزب محافظه‌کار انجام داد، بدون آنکه بتواند از سید رأی حزب کارگر، این ریزش‌ها را جبران کند.

مضاف بر این، اندیشه‌های زیربنائی که لیبرال دموکراسی‌ها بر آن استوار شده‌اند بر مفروضه‌های متناقض و متعارضی استوارند که نشانه‌های آن هر از چند گاه از خلال تحولات مختلف سر بر می‌آورند.

وعده آزادی‌های بی‌حد و مرز و سودجویی‌های سیری‌ناپذیر در لیبرالیسم کلاسیک نه تنها آرمان‌های اولیه این مکتب را محقق نساخت بلکه موجب سلب همان آزادی‌ها از افراد بی‌شمار و پدید آمدن توده انبوه کارگران فقیر در کنار انباشت ثروت کارفرمایان و هزاران مشکل فردی و اجتماعی دیگر شد. این مسائل موجب شد اندیشمندان لیبرال در بسیاری از مفروضه‌های لیبرالیسم کلاسیک تجدینظر کنند.

در فلسفه جدید، دولت مکلف شد از طریق مداخله اقتصادی و تشکیل «دولت رفاهی» نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد؛ زیربنای بسیاری از زیرساخت‌های سیاسی-اجتماعی امروز این ایده است که لیبرال دموکراسی بهترین گزینه برای خیر دسته زیادی از مردم است. اما این اندیشه هم با مشکلات فراوانی که در کشورهای غربی می‌بینیم ناکارآمد از آب درآمده است.